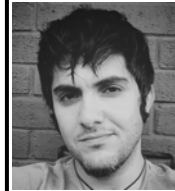


موعد

تعرض طبقاتی ما!

فواد عبداللهی



این روزها، از رئیس جمهور و وزیر وزرا، از فلان عضو کابینه دولت تا برو و بچه های قدیم سپاه و اتاق بازرگانی، بانک دارها، سفته بازا و پول شورها، از قپه و چفیه به دوش ها تا هنرمندان شال آویزان کرده، از "کمیته تبلیغات و بررسی" دولت، تا سردبیران و مجریان و راج رسانه های داخلی و خارجی، از طنزنویسان چاپلوس، تا توده - اکثریتی و جبهه ملی چی ها و هر کس که به عالی ترین مقامات رسمی اسانه ادب کرده، با قامتی برافراشته اما دلی پر از نهب اینجا و آنجا از "له شدن اهداف توسعه دولت تدبیر" و کابوس "بازگشت دوباره رکود" حرف میزنند. اینروزها "اقتدار ملی" یا به زبان آدمیزاد، اقتدار دولت اعتدال و آبروی کل بورژوازی ایران، در برابر جامعه زیاد که نمیشود کاهش هم میابد. نامه اخیر چهار وزیر کابینه دولت و به دنبال آن سخنرانی روحانی در همایش صنعت و تجارت پیرامون "بازگشت دوباره رکود" حکایت از زوار در رفتگی اقتصاد مملکت و عطش به طغیانهای اجتماعی دارد.

اما بحران در جمهوری اسلامی تازگی ندارد؛ به قدمت حیات خود این رژیم است. فلسفه وجودی حکومتی است که در متن یک ضد انقلاب اسلامی برای بقا و پاسداری از شرایط حیات سرمایه و قدرتگیری کارگر و کمونیسم روی کار آمده است. بنابراین، وجود بحران و متعاقب با آن، سرکوب آزادیخواهی و برابری طلبی امر سیستماتیک و هر روزه این حاکمیت و هر دولتی است که به فکر تامین امنیت سرمایه بحران زده است. به این اعتبار، ۳۷ سال تاریخ جمهوری اسلامی چیزی جز دخیل بستن به تغییر توازن قوا بین جناح بندیهای بورژوازی ایران نبوده است. ۳۷ سال مردم و طبقه کارگر را روزی با پرچم "سازندگی"، روز دیگر با افق "اصلاحات" و "جنبش سبز" و امروز با بیرق "اعتدال و تدبیر" در انتظار سرنوشت جدال در صفوف "خودی ها" به ویرانی و بیراهه کشانده است. در صبر و انتظار نگاه داشتن، پدیده ای است که با جمهوری اسلامی متولد شده است. این پدیده در انقلاب ۵۷ به صفی از احزاب و سازمانهای طرفدار اصلاح رژیم، از حزب توده و اکثریت، ... صفحه ۳

اکتبر سیاه در آنکارا!

آذر مدرسی



تظاهرات "صلح برای دموکراسی" در آنکارا که به فراخوان حزب دموکراتیک خلق ها و همکاری سندیکاهایی نظیر DISK، KESK، TTIB و نهادهای دیگری برگزار شده بود، به خون کشیده شد. این حمله تروریستی و کشته شدن نزدیک به ۲۰۰ نفر در این تظاهرات، که بزرگترین حمله تروریستی تاریخ ترکیه نام گرفته است، رعد و برق در آسمانی بی ابر نبود. اما قطعاً یکی از مولفه های تعیین کننده در تعمیق شکاف در جامعه ترکیه و همینطور حاکمیت در ترکیه است. در اینکه این تعرضات با هدف تغییر آرا در انتخابات اول نوامبر است، تردیدی نیست. اتحادیه های کارگری با فراخوان اعتصاب عمومی، مردم معترض و به خشم آمده با شعارهای "ما فاشیستها را می شناسیم"، "دولت قاتل ها" جواب پز دولت در "رسیدگی فوری به این جنایت"، اعلام سه روز عزای عمومی و همزمان انگشت اتهام را به سوی قربانیان این جنایات نشانه رفتن را داده اند. شکست انتخاباتی حزب محافظه کار راست و اسلامی اردوغان در انتخابات ماه ژوئن بلافاصله به گسترش نا امنی در جامعه، تعرض وسیع و سازمانیافته دولت فاشیست ترکیه به مردم، به گسترش تعرضات تروریستی و بمب گذاری و ... ترجمه شد. پس از انتخابات ترکیه شاهد تحرک جریانات اولترا راست و فاشیست پان ترکیست و دامن زدن به نفرت قومی شده است. ... صفحه ۲

دولت ترکیه مسئول و مسبب قتل عام آنکارا است!

اطلاعیه تشکیلات خارج
کشور حزب حکمتیست
(خط رسمی) صفحه ۲

عرب ستیزی موقوف!

بختیار پیرخضری



آخرین مورد ناسیونالیسم ایرانی و عرب ستیزی که اوج وقاحت خود را عیان ساخت افاضات اکبر عبدی در تلویزیون جمهوری اسلامی بود که عربها را "بختیار پیرخضری" کثیف و سیاه با جوشهای چرکین" و ... مورد خطاب قرار داد. چنین توهین آشکار نژادپرستانه ای به مردم هر جامعه ای اگر در تلویزیون دولتی کشوری مثل فرانسه اتفاق بیفتد مردم متمدن این کشور در آن تلویزیون را پلمب میکنند و چنین "هنرمندی" را بایکوت و مجبور به معذرت خواهی در انتظار عمومی میکنند. استقبال میلیونی مردم متمدن اروپا از آوارگان جنگی و پناهجویان سوریه ای، انسان دوستی و ضدیت شان با نژادپرستی را بیش از پیش ثابت کرد. اما در جمهوری اسلامی دامن زدن به این نوع تبلیغات آشکار ناسیونالیستی کاملاً آزاد است. "هنر و هنرمند"ی که در این سیستم نان به نرخ روز میخورد کاری جز بازتولید فرهنگ ارتجاعی ملی - اسلامی در جامعه ایران ندارد. این بزرگترین افتخار چنین "هنرمندان" و چنین "روشنفکرانی" است.

"ز شیر شتر خوردن و سوسمار، عرب را به جایی رسیده کار، که تاج کیانی کند آرزو، تفو بر تو ای چرخ گردن تفو!"; "از پذیرش بیماران عرب معذوریم!"; "بازی (گیم) عرب زنی به بازار آمد"، "از ورود اتباع افغانی به داخل استخر معذوریم"، "ما به هیچ عنوان راضی به ثبت نام اتباع خارجه در این آموزشگاه نیستیم"، "ورود سگ و افغانی به داخل پارک ممنوع"، "خروج افغانی تا آخر ماه مبارک رمضان! در غیر این صورت تخلیه از طرف اهالی "محترم" محله"، و دهها پوستر و نوشته دیگر بر در و دیوار مدارس، استخرها، پارکها و دیوارهای عمومی کشوری با "تمدن و قدمت و تاریخ و فرهنگ کهن هزاران ساله آریایی". در ابعاد گسترده تر و ریشه ای ما شاهد این تبلیغات کثیف و تبعیض نژادی عیان و به مراتب سازمان یافته از طرف دولت و حاکمیت هستیم. پیوند اعضای بدن یک "ایرانی" به یک افغانی در بیمارستانها ممنوع است، حتی اگر پزشکی بخواهد این عمل را انجام دهد قانوناً اجازه این کار را ندارد! .. صفحه ۴

غایت آزادیخواهی یک "اصلاح طلب"!

فواد عبداللهی صفحه ۳

آزادی برابری حکومت کارگری

اکتبر سیاه ...

تعرض سازمانیافته راست (فاشیست های ترکیه و ارتجاع اسلامی) در قالب "تحركات خودجوش" به جامعه، فعال شدن انواع جریانات و باندهای رسمی و غیر رسمی فاشیست ترک و پان ترکیست ها، بمب گذاری در سوروج، حملات دائمی و مکرر به دفاتر حزب دمکراتیک خلق و سازمانهای چپ در شهرهای مختلف از طرف سازمان جوانان حزب عدالت و توسعه، حمله به مغازه ها و منازل شهروندان کرد و فعالین سیاسی و چپ در شهرهای مختلف باز از طرف سازمان جوانان حزب اردوغان، سوزاندن کتابفروشی ها با شعار الله و اکبر، خانه گردی و فضای پلیسی و دستگیری صدها نفر از مخالفان سیاسی خود به بهانه مبارزه با داعش، مبارزه با پ ک ک و تحریکات ناسیونالیستی، حمله نظامی به مردم در کردستان ترکیه به بهانه شروع جنگ دوباره با پ ک ک و بالاخره حمله تروریستی به تظاهرات ده اکتبر در آنکارا، حمله به تظاهرات در دیاربکر و اعلام حکومت نظامی، همگی حلقه هایی از زنجیره گسترش ترور و نا امنی پس از شکست حزب عدالت و توسعه در ترکیه است.

پیام حزب عدالت و توسعه و اردوغان به روشنی این است: اگر در انتخابات پیروز نشویم جامعه را به خون و آتش میکشیم! تلاش میکنند این پیام سیاه را در بسته بندی های شیکی مانند "مبارزه با تروریسم"، "مردم ناراضی اند"، "مردم امنیت میخواهند"، "اگر حزب عدالت و توسعه پیروز شود هیچ یک از این خشونت ها رخ نمی دهد" را به خورد جامعه بدهند.

انتخابات ژوئن، شکست حزب عدالت و توسعه و پیروزی حزب دمکراتیک خلقها با داعیه های چپ و پرچم سکولاریسم، آزادی های سیاسی، حقوق اقلیتها، به رهبری حزب دمکراتیک خلقها، اعلام نارضایتی

عمومی از حاکمیت سیزده ساله متکی به سرکوب و خفقان و سوت پایان حاکمیت مطلق ارتجاع اسلامی - راست حاکم در ترکیه بود. شکست اردوغان و حزب اش در عین حال که ضربه جدی به جریانات اسلامی و راست در ترکیه زد، همزمان روزنه ای برای حل مسئله کرد در ترکیه از طریق پارلمان و انتخابات و ... بود. حزب دمکراتیک خلقها با این پرچم توانست توجه بخشی از جریانات چپ و رادیکال و اتحادیه های کارگری و مردم معترض به فقر، فساد مالی، استبداد و بیحقوقی را به خود جلب کند.

شکست انتخاباتی ژوئن و برد جریانی با پرچم "حل مسئله کرد در ترکیه"، بر متن نارضایتی عمومی و همچنین بر متن معضلات پایه ای تر ترکیه در کشمکشهای منطقه ای موقعیت دولت ترکیه و اردوغان را وخیم تر کرد. در دنیای واقعی روند اوضاع و کشمکش قطبهای ارتجاع در منطقه، بر خلاف پیش بینی دولت ترکیه و عربستان و سایر متحدین شان پیش رفت. دخالت ترکیه در سوریه و تقویت داعش و انواع باندهای قومی و مذهبی، همه و همه به نقاط تاریکی در کارنامه دولت اردوغان تبدیل شد و دولت ترکیه را وارد جدالهای سیاسی و تقابلهای جدی تری کرد.

انتخابات آتی در ترکیه از این زاویه برای اردوغان و حزب اش نقش تعیین کننده ای دارد. پرچم و هویت اسلامی و راست حزب توسعه و عدالت برای بردشان در انتخابات آتی مناسب نیست. باید بیشتر از اینها به راست و فاشیسم چرخید. تعرض امروز راست حاکم اساسا به حزب دمکراتیک خلقها و پ ک ک و جریانات رادیکال و سکولار است اما رقیب اصلی حزب "حرکت ملی"، حزب راست افراطی در ترکیه، است. اردوغان برای جذب نیرو از این حزب باید به شکاف ملی دامن بزند، باید به اولترا فاشیستهای ترک میدان عرض اندام و ترور بدهد، باید نماینده تام و تمام

دولت ترکیه مسئول و مسبب قتل عام آنکارا است!

اطلاعیه تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست (خط رسمی)

هنوز خون دو ماه پیش جوانان سوسیالیست جنوب شرق ترکیه بر خیابانهای شهر پرسوس خشک نشده بود که دیروز ۱۰ اکتبر با انفجار دو بمب دیگر در وسط اعتراضات و تظاهرات های آنکارا که به فراخوان حزب دمکراتیک خلق های ترکیه (ه د پ) و تعدادی از تشکلهای کارگری با خواست صلح و پایان دادن به چند دهه جنگ فاشیستی دولت ترکیه علیه مردم کردستان سازمان داده شده بود، دهها نفر جان خود را از دست دادند و صدها نفر مجروح شده اند. بی تردید متهم اصلی و ردیف اول این ماجرا دولت ترکیه است. دامن زدن به فضای جنگی، ارباب و ترورهای پیاپی امروز دولت ترکیه، بر متن هزیمت در ماجرای انتخابات دوره قبل و جبران این خسارت در تجدید انتخابات ماه نوامبر آتی است. دولتی که تاریخا و در بزنگاهای متفاوت همراه پادوهای خود جهت بقا علیه شهروندان این کشور، دست به ایجاد تفرقه قومی و دسیسه زده است.

باید با فشار سیاسی، اجتماعی و بین المللی طبقه کارگر، کمونیستها و بشریت آزادیخواه و انسان دوست، دولت اردوغان را از اعمال و کردارهای پشیمان کرد. باید کاری کرد که توازن قوا به نفع جبهه مدافعان آزادی و انسانیت در ترکیه تغییر یابد. هم اکنون اعتراضات و تظاهرات های وسیعی در اروپا علیه قتل عام اخیر در آنکارا در حال شکلگیری است؛ تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست (خط رسمی) همه سازمانها، اتحادیه های کارگری و انسانهای آزادیخواه را به پیوستن به این اعتراضات علیه سیاست های ارتجاعی و تروریسم عنان گسیخته دولتی در ترکیه فرا میخواند.

تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست (خط رسمی)

۱۱ اکتبر ۲۰۱۵

رعب و وحشت، نفرت قومی و فاشیسم و ارتجاع اسلامی در جامعه اند. نا امن کردن جامعه سیاست رسمی دولت راست حاکم در ترکیه است. سیاستی که میتواند جامعه را از ترس جنگ داخلی به تمکین به هر ارتجاعی بکشاند. بمب گذاری، ترور و کشتار مردم معترض ابزار به تمکین کشاندن مردم در انتخابات آتی است.

اما این جاده یکطرفه نیست. ساکت نشدن جامعه پس از حمله تروریستی ده اکتبر، نفرت عمومی از راست حاکم و فاشیستهای پان ترکیست، اعتصاب عمومی اتحادیه های کارگری همگی حاکی از این است که ترکیه کماکان در آستانه تحولات، تقابلهای کشمکشهای جدیدی قرار دارد. جدالی که در عمق جامعه قابل حل و فصل است.

اسلام گرایی و فاشیسم ترک شد. تعرض به حزب دمکراتیک خلق ها، آغاز دوباره جنگ با پ ک ک، دامن زدن به شکاف بیشتر کرد و ترک، باز گذاشتن دست باندهای فاشیست ترک و ... برای بدست آوردن آرا حزب راست افراطی "حرکت ملی" را بدست آورد. اردوغان راهی جز تبدیل شدن به حزب اولترا فاشیست-اسلامی ترک ندارد.

اردوغان برای پیروزی در انتخابات آتی باید نمایندگی کامل عظمت طلبی، فاشیسم ترک و پان ترکیسم را هم از آن خود کند. رقیب اصلی انتخابات آتی اردوغان نه حزب دمکراتیک خلقها و جریانات چپ که حزب "حرکت ملی" است.

امروز دولت ترکیه و حزب حاکم آن عامل اصلی نا امنی و ترور و فضای

زنده باد سوسیالیسم!

مرکب بر جمهوری اسلامی!

غایت آزادیخواهی یک "اصلاح طلب"!

فواد عبدالمهدی

همسرشان از کشور خارج شوند...

این "اصلاح طلب" حکومتی، در بلبشوی قانون آپارتاید جنسی و احکام و قوانین اسلامی در ایران، چرتکه انداخته و دنبال سهم خود بعنوان سیاستمدار سیستم آپارتاید جنسی است. در یک حساب سرانگشتی می‌خواهد آیات عظام و سیستم، به نفع وی و بخش کوچکی از زنان انعطاف داشته باشند. و برای سیاستمداران و سلب‌ریتی های هنری و ورزشی چنین سیستم و نظامی، تبعیض مثبت قائل شوند که مثلاً شوهر ایشان و سایر مشاهیر این سیستم بتوانند به شرط تضمین تداوم در قفس نگاه داشتن همه زنان جامعه، ایشان و سایر مشاهیر، از حق سفر بدون اجازه شوهر در شرایط معینی برخوردار شوند. ممنوع الخروج شدن کاپیتال تیم

شهیندخت مولوردی معاون امور زنان دولت روحانی در ارتباط با فشار مردم در اعتراض به ممنوع الخروج شدن کاپیتال تیم "ملی" فوتسال زنان، که به دلیل "قانون اجازه خروج زنان از کشور با تایید شوهر" رخ داد، در پاسخ به حملات یکی از دیناسورهای مراجع عظام به وی در مورد اصلاح قانون گذرنامه، می‌گوید:

"بحث من تغییر این قانون برای همه زنان نبود بلکه اصلاح این قانون برای برخی از گروه‌های زنان است. به نظر می‌آید که بشود تبصره‌هایی به آن اضافه کرد و همانطور که مثلاً در مورد حج واجب برای زنان و زنانی که مقام سیاسی دارند این قانون شرایطی را عنوان کرده برای زنان ورزشکار و یا زنان عضو هیات علمی نیز این قانون اصلاح شود و اصلاً بحث من این نبوده است که همه زنان بتوانند بدون اجازه

"ملی" زنان توسط شوهرش، گنبدیگی و تعفن قانون سفر زن منوط به اجازه شوهر در جمهوری اسلامی را بار دیگر در مقابل چشمان جامعه و جهانیان قرار داد و بی تردید نفرت انگیز است. اما سیخ‌تر از آن، اظهارات و تقاضای تبعیض مثبت خانم سیاستمدار و ضعیفه حکومتی که خود نیز بدون اجازه شوهر قادر به سفر کردن نیست، برای سرپوش گذاشتن بر قوانین ضد زن جمهوری اسلامی و دوختن کلاهی از این نم‌د برای صنف خودشان است.

می‌خواهند برخی نابرابریها را در چهارچوب قوانین اسلامی (آنهم اساساً برای رفاه بیشتر حال خود و نه برای رهایی میلیونها زن از قوانین کثیف اسلامی) از میان بردارند. وگرنه کیست که نداند که فعالیت برای تغییر قوانین در همه جای دنیا بخصوص در جوامعی مانند ایران، تا چه اندازه سیاسی است. میدانند سر معضل تبعیض را شُل کنند اولین چیزی که به خطر بیفتد مقام و موقعیت شخص خود ایشان است. وی

همراه آیات عظام و ولی فقیه و ریس جمهور باید از مردم در میزان تعرضشان انعطاف طلب کنند. تصور کنید که یک لحظه خطر زندان و دستگیری و اختناق بالای سر جامعه ایران نباشد و این مقام حکومتی بالای منبر برود و اظهارات امروزش را تکرار کند که: "اصلاً بحث من این نبوده است که همه زنان بتوانند بدون اجازه همسرشان از کشور خارج شوند"، چه خواهد شد؟! بی تردید در بهترین حالت، با پرتاب گوجه و تخم مرغ از جانب مردم بدرقه خواهد شد.

خانم معاون! همانطور که امروز دیگر کسی دنبال دلیل انقراض دیناسورها نیست، شک دارم بنی بشری هم دنبال دلایل انقراض "اصلاح طلبان" در ایران باشد. بحث در مورد میزان رفع تبعیض به زن و آزادی او، میدان عمل شما نیست. بعد این همه سال چگونه پی نبرده اید که این مسئله برای شما بازی با آتش است؟! دستتان به کلاهتان باشد که باد تعرض صف آزادی و رهایی زن، آن را نبرد.

موعد تعرض ...

تا مجاهد و رنجبران، شکل داده بود. صفی که در روز خود خدمات بیشماری به جمهوری اسلامی در مقابل جنبش انقلابی مقاومت در مقابل رژیم، کرد. اینها با شکست انقلاب ۵۷، موقتاً و تا باز شدن مجدد فضای اعتراضی در جامعه، از گود سیاست ایران بیرون رفته بودند. با بالا گرفتن مجدد فضای اعتراضی و ظهور پدیده دو خرداد که با عروج اسلام سبز و نهایتاً یکدستی کل بورژوازی ایران زیر عبای دولت اعتدال روحانی به اوج خود رسید، بار دیگر این صف را به میدان آورد. به میدان آورد تا در راس دور دیگری از تحرک برای نجات نظام و "منافع ملی"، اینبار تحت ضرورت دیرینه بازگشت به آغوش "جامعه جهانی"، در رکاب مقام گنده

رهبری و "نرمش قهرمانانه" اش جامعه را بدنبال خود بکشانند! و ریاکارانه نیاز به بازگشت به دامن سرمایه داری جهانی و سهم خواهی شأن از قدرت و ثروت را بنام "آزادی مردم" قالب کنند! اکنون دود شدن "امید" به توهم گشایش اقتصادی و سیاسی دولت اعتدال و لینچ شدن بیش از پیش اکثریت مردم محروم در این مسیر، باید سوت پایان وقاحت طیفی از کسانی باشد که رفاه، آزادی و خوشبختی مردم را به آینده سرنوشت مذاکرات ایران با آمریکا، گره زدند و در انتظار نگاه داشتند. وقت آن است که سوختن ققنوس دولت "اعتدال و تدبیر" با برافراشتن پرچم مطالبات رفاهی طبقه کارگر و تعرض کمونیسم این طبقه روبرو شود. اکنون زمان علم کردن مطالبات پایه ای و اتحاد محکم

طبقاتی حول آنهاست. کارگران کمونیست ناچار اند یکبار دیگر به صف پراکنده خود بنگرند؛ در محیط کار و زیست خود، حول مطالبات رفاهی طبقه کارگر و اکثریت مردم محروم، متحد و بسیج کنند. نقشه به هم نزدیک کردن محافل کمونیستی را بریزند و برای ایجاد پایه های تحزب اقدامات لازم را ردیف کنند. به جز این، تقی به توقی بخورد یا نخورد، عصبانی صورت بگیرد یا نگیرد، اعتراضی بشود یا نشود، جمهوری اسلامی بماند یا نماند، هیچ راهی برای ایجاد سنگری جهت دفاع از حتی همین زندگی جهنمی امروز متصور نیست. عدم دخالت کمونیستی و آگاهانه در امر سیاست و جدا نکردن افق، صف اعتراض، و مطالبات اساسی و پایه ای طبقه کارگر از بورژوازی و نهایتاً دنباله روی از اوضاع و سپردن

سکان سیاست بدست جناح های سرمایه داری، خودکشی است. تاریخ از این شکستها و ناکامی ها کم به خود ندیده است. صف پرشمار کارگران کمونیست و کمونیست های روشن بین جایز نیست بیش از این، آغاز یک کار جدی در این مسیر را به تعویق اندازند. قرار نیست دهه ها عمر جمهوری اسلامی را، تلف شدن زندگی را و تیره تر شدن آینده نسل های پی در پی را دید. باید به دخالت جناح ها و جنبش های بورژوازی در میدان سیاست نقطه پایانی گذاشت. جمهوری اسلامی، که بر اختناق و بی حقوقی و استثمار متکی است، تنها به نیروی جنبش انقلابی طبقه کارگر و جنبش کمونیستی این طبقه میتواند تماماً برچیده شود. و این تازه چیزی جز آغازی نو نیست: "گل همینجاست! همینجا برقص!

قدرت طبقه کارگر در تحزب و تشکل اوست!

عرب ستیزی موقوف ...

طبق آمار اداره کل اتباع خارجی استانداری تهران، سی و پنج هزار کودک بدون هویت و شناسنامه که حاصل ازدواج زنان ایرانی با پدران افغان هستند در ایران وجود دارند که از هیچ گونه حقوق شهروندی برخوردار نیستند. از سه میلیون افغان مقیم ایران یک میلیون و پانصد هزار نفر آنها از هیچ گونه حقوق شهروندی برخوردار نیستند. طبق طرح و قانون جدید در شیراز، هر کسی که کارت ایرانی نداشته باشد حق استفاده از وسائل نقلیه و ورود به فروشگاهها برای خرید لوازم خوراکی و ... را ندارند و طبق همین قانون برای آسان کردن این مسئله برای بازرسی اتباع افغان نیازی به حضور پلیس نیست و هر ایرانی می تواند اتباع افغان را بازرسی کند و کارت شناسایی از آنها بخواهد. وضعیت کارگران افغان و شامل نشدن قوانین کار و خدمات اجتماعی و بیمه برای آنها.

موردی از این قبیل که مستقیماً با حکم مقامهای حکومتی به قانون تبدیل شده اند و یا در دست بررسی هستند کم نیستند.

ضرب المثل "تفرقه بینداز و حکومت کن" قدمتی تاریخی دارد. در طول تاریخ حکومتهای گوناگون از تفرقه و جداسازی مردمی که رنگ پوست، زبان و فرهنگ متفاوتی داشته اند استفاده ابزاری برای بقای حکومتشان کرده اند. جمهوری اسلامی هم تافته جدا بافته نیست.

ماحصل فاشیسم و نژادپرستی را همه جا می توان یافت؛ در انفجار بمب دو روز پیش آنکارا مشاهده کردیم که چگونه فاشیسم آتاتورکی پای اصلی این قضیه است. در ایران هم عظمت طلایی و آریایی گری امثال کم مخ های چو اکبر عبدی میتواند حمام

خون راه بیاندازد.

نکته کلیدی که نباید از آن گذشت این است که هیچ انسانی نژادپرست به دنیا نمی آید؛ نژادپرستی در خون و خلق هیچ انسانی نهادینه نشده است بلکه دولت و سیستم طبقه حاکمه است که باعث ترویج و تراشیدن این هویت های جعلی از همان دوران بچگی با جداسازی ایرانی و غیر ایرانی، خارجی و بومی ... عرب و ایرانی می شود. بی تردید جامعه ایران جامعه ای به مراتب آگاه تر از شکل حکومت و ایدولوژی ناسیونالیستی و مذهبی تحمیل شده بر آن است. متأسفانه دامن زدن به پروپاگاندای کثیف ناسیونالیستی در میدیا و رسانه ها دولتی، بخش ناآگاه جامعه را تحت تاثیر خود قرار خواهد داد. در کنار حمله و افشا کردن ناسیونالیسم و مذهب و قانون هایی که از جانب حکومت ایران اجرا میشود باید انگشت اتهام و مقصر اصلی نهادینه کردن فرهنگ نژادپرستانه و فاشیستی را به سوی سرمایه داری و دولت ایران و طبقه حاکمه دراز کرد.

حکمت عملی و فایده امروزی عرب ستیزی برای جمهوری اسلامی و "هنرمندان"ی از قماش اکبر عبدی اینست که دریافته اند که مردم چقدر از اسلام و قوانین اسلامی متنفرند و زیرکانه با حربه ناسیونالیسم این خشم و نفرت را بطرف عرب و اعراب منحرف میکنند. بدین ترتیب اینها و نظامشان چند کار را همزمان با هم انجام میدهند: اول از همه میخ خود را بر پایه تبلیغ احساسات عقب مانده و شایسته عصر بربریت میکوبند. مردمی که به چنین تبلیغات دروغینی باور کنند مثل کسانی که به اسلام و خدا باور دارند، پایه ورقه بردگی خود امضاء گذارده اند. همیشه میتوان بخشی از مردم را با غلیان احساسات در مورد "ملت و نژاد منحصر به فرد ما" به

مسلخ برد. از سوی دیگر، اینگونه تبلیغات ناسیونالیستی خوراک خوبی برای ناسیونالیسم قومی عرب فراهم میکند. بعنوان نمونه کارگر عرب زبان در خوزستان که هر روز زیر فشار تبلیغات "عجم" وار رئیس قبیله، ملا و روشنفکر ناسیونالیست محلی در مورد اختلاف و ضدیت "عجم و عرب" قرار دارد، از حدیث امثال اکبر عبدی به سمت تبلیغات ناسیونالیسم محلی جذب خواهد شد. ثانیاً آقای اکبر عبدی با عریبه های ناسیونالیستی که سر داده، خواسته اسلام عزیزش را از زیر تیغ حمله و نفرت مردم به در برد. ظاهراً مشکل، خداوند باریتعالی و اسلام عزیزش نیست، معضل "اعراب وحشی" اند!! استفاده اکبر عبدی از این صفات سهو و یا لغزش کلام نیست. عبدی اسلام زده بجائی نرسید، حال قرار است عبدی ناسیونالیست افراطی و قوم پرست پسا "اصلاح طلبی" با باد زدن تمایلات ناسیونالیستی و راسیستی چند صباحی دکان تخته اش را باز نگهدارد. تمدن و شعور این جماعت همین است. شانس آوردند که با زبان فارسی

مکنونات قلبی شان را بیان میکنند. اگر این فرمایشات را با زبانهای اروپایی بگویند نه تنها جایی راهشان نخواهند داد بلکه کسی حاضر نخواهد شد اتاقی هم به آنها کرایه دهد.

اینها هم اکنون با توجه به اوضاع خاورمیانه، با راه انداختن جنگ عرب و ایرانی که حجم بیشتر تبلیغات دولت اعتدال و کل بورژوازی ایران را شامل میشود، دارند پایه مادی و واقعی بقا و میداناری جمهوری اسلامی در منطقه را لاپوشانی می کنند.

هر کسی که به اوضاع ایران و منطقه کمی آشنا باشد میداند که این نوع تبلیغات در خدمت منافع بورژوازی ایران و افسارگسیختگی انواع و اقسام دولتهای مترجع در منطقه است که قربانی ردیف اول آن را شهروندان این کشورها تشکیل می دهند. باید یکبار و برای همیشه دکان این ناسیونالیسم و تفرقه قومی و ملی را بست. این امر کمونیستها و انقلاب کارگری در ایران و منطقه است.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست، بعنوان نیروی پیشرو کارگران در ایران، بعنوان نیروی پیشرو جنبش رهایی زن و جنبش اسلام زدایی در ایران، بعنوان نیروی پیشرو همه آزادیخواهان و برابری طلبان، رئیس اصلی حقوق مسلم و انکارناپذیر کارگران و محرومین ایران را، که نهایتاً یک قیام توده ای به رهبری طبقه کارگر و حزب کمونیست اش ضامن تحقق آنهاست، به صراحت اعلام مینماید. مبارزه ما برای برابری، رفع تبعیض و رفاه جزء لاینفک مبارزه وسیع تر و اساسی ما برای شکل دادن به انقلاب اجتماعی و برقراری جامعه برابر و آزاد کمونیستی است. مبارزه ای که سرنگونی جمهوری اسلامی ایران، اولین شرط پیشروی و پیروزی آن است. ما مردم محروم ایران را به برافراشتن پرچم این اهداف انقلابی، در برابر جمهوری اسلامی و هر نیروی مدافع استثمار و استبداد، و برای مقابله با گسترش فقر و نا امنی و محرومیت، فرامیخوانیم.

"شورر فاه، آزادی و امنیت مردم ایران" را بدست گیرید!

<http://hekmatist.com/2015/HekmatistManshour.html>

www.hekmatist.com
 سردبیر: فواد عبداللهی
fuaduk@gmail.com
 تماس با حزب
hekmatistparty@gmail.com

زنده باد انقلاب کارگری!